

## عنوان مقاله:

خردگرایی و غیرخردگرایی: تلاشی برای همگرایی رویکردهای دوقطبی به تئوری تصمیم گیری اخلاقی

## محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی چالش ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسندگان:

حمیدرضا حاجب - استادیار گروه حسابداری دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

صفدر علی پور - استادیار گروه حسابداری دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

## خلاصه مقاله:

پژوهشگران سال هاست در پی پاسخ به این سوال برآمده اند که چرا با وجود این همه قوانین و آیین نامه های اخلاقی و رفتاری، افراد هنوز اقدام به انتخاب های غیراخلاقی در محیط کار یا سازمان می نمایند. و اصولا فرایند تصمیم گیری اخلاقی افراد به چه نحو است و تحت تاثیر چه عواملی قرار می گیرد. در این راستا طی دهه های اخیر، پیشرفت های قابل توجهی از طریق تصویر سازی فرایند تصمیم گیری اخلاقی افراد با ارائه مدل هایی که عموماً می توان آن ها را در دو طبقه خردگرایی و غیرخردگرایی جای داد، حاصل شده است. تئوری های تصمیم گیری اخلاقی خردگرا، استدلال عقلانی (قدرت تفکر و استدلال) را هسته مرکزی فرایند تصمیم گیری اخلاقی قلمداد می کنند. مدل های غیر خردگرا فرض می کنند که هم شهود و هم احساس، فرایند قضاوت اخلاقی را تحت کنترل می گیرند، همراه با اینکه استدلال اخلاقی یک نقش تبیینی (یعنی استدلال کردن) یا توجیهی (یعنی عقلانی سازی) ثانویه و پس از واقعه برای قضاوت اخلاقی شخص ایفا می کند. به بیان دیگر، ادعای اصلی رویکردهای غیرخردگرا این است که قضاوت اخلاقی معلول شهود اخلاقی سریع است و بنا به نیاز، توسط استدلال اخلاقی آرام و پسارخدادی دنبال می شود. این واگرایی و شکاف در رویکردهای دوگانه به تئوری تصمیم گیری اخلاقی، مساله اصلی و مورد توجه این مقاله است و بر این اساس، هدف این مقاله پر کردن این شکاف از طریق توسعه مدلی یکپارچه است که ضمن تلفیق تمامی ارکان مربوط مدل های پیشین، مفاهیم به ظاهر مانع الجمع شهود/احساس و استدلال عقلانی/عقلانی سازی را به هم پیوند زند.

## کلمات کلیدی:

تصمیم گیری اخلاقی، خردگرایی، غیرخردگرایی، شهود، احساس، استدلال عقلانی، عقلانی سازی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1244950>

